

تأثیر ویژگی‌های بصری آثار محمد سیاه قلم بر نگاره‌های مجرد تاکستانی *

چکیده:

نگارگری معاصر بر اساس ماهیت، نگاه و رجوع به گذشته دارد و هنرمندان متعلق به این جریان، کوشیده‌اند که کارشان را با سلیقه‌ی زمان سازگار سازند و ویژگی‌های جدیدی را در کار خود وارد کنند. از هنرمندان معاصری که با نگاه به گذشته به خلق آثار هنری می‌پردازند، می‌توان به اردشیر مجرد تاکستانی اشاره کرد. آثار تاکستانی به دلیل مشق زیاد و برداشت از آثار نگارگران گذشته ایران، خصوصاً محمد سیاه‌قلم، تأثیراتی را از وی پذیرفته است. هدف از این پژوهش مشخص ساختن ویژگی‌های مشترک بصری در آثار این دو نگارگر است که از سه جنبه مضمونی، ساختاری و اسلوب مورد مطالعه قرار گرفته است. مقاله حاضر با روش توصیفی و تحلیلی همراه با تفسیر داده‌ها (تصاویر) و تطبیق آن‌ها گردآوری شده و شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی است. این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی به این پرسش است که: آثار تاکستانی در کدام شاخه‌های هنری بیشترین تأثیر را از آثار محمد سیاه‌قلم پذیرفته است؟ بر اساس بررسی‌های انجام‌گرفته در این پژوهش، ویژگی‌های مشترک بصری مابین آثار این دو نگارگر به‌وفور یافت می‌شود که بیشتر شامل تأثیرپذیری تاکستانی از آثار سیاه‌قلم، خصوصاً در شاخه‌های طراحی و ترکیب‌بندی است.

واژگان کلیدی: مکتب هرات، نگارگری، سیاه‌قلم، تاکستانی.

مهدی لونی
دانشجوی دکتری تاریخ
تطبیقی و تحلیلی هنر
اسلامی، دانشکده هنر دانشگاه
شاهد(نویسنده مسئول)

Email:

Mehdi. Loni. 57@gmail. Com

خشایار قاضی‌زاده
استادیار، عضو هیئت‌علمی
دانشکده هنر دانشگاه شاهد

Email:

khashayar ghazizadeh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۸/۱۹

مقدمه:

نگارگری یک هنر اصیل ایرانی است و نگارگران چیره‌دست ایران با ابداع و خلق صحنه‌های زیبا، نمونه‌های شگفت‌آوری در این نقش‌آفرینی به وجود آورده‌اند که تاریخچه‌ی آن را می‌توان در هزاره‌های پیش از میلاد و آثار بجا مانده از سکونت انسان در غارها و بر روی سفالینه‌های منقوش پیش از تاریخ مشاهده کرد. از ویژگی‌های نقاشی ایرانی می‌توان به عدم استفاده از سایه‌روشن، تابش طبیعی نور و عدم استفاده از پرسپکتیو و نمایش عمق، همچنین به کار بردن رنگ‌های درخشان و تخت اشاره کرد. هنر نگارگری در گذر زمان و به تبع نیازهای اجتماعی و تأثیرهای فرهنگی محیط، ویژگی‌های خاصی کسب کرده که خود باعث پدید آمدن مکتب‌های مختلف نگارگری شده است. هنر معاصر ایران، نشأت گرفته از گنجینه‌ی باارزش گذشتگان خود بوده است و از کمتر هنرمندی می‌توان نام برد که از گاهواره‌ی تمدن هنری خود یا گویاتر و رساتر از آن سرمشق‌های استادان و نوابغ ایرانی الهام نگرفته و از این سرچشمه‌ی همیشه جوشان و الهام‌بخش، جرعه‌ای ننوشیده باشد؛ بنابراین نگارگری معاصر، به‌نوعی رجعت هنرمندان به دستاوردهای هنر نگارگری در اعصار گذشته است؛ در نتیجه در آثار هنرمندان، به‌مرور برخی ویژگی‌های متمایز، بروز کرده است. هنرمندان معاصر ایران که روح و روان، فلسفه و عرفان، نیرو و حیاتشان جملگی به پشتوانه‌های فرهنگی پیشینه هنری‌شان بستگی دارد، طبعاً نمی‌توانند از چکیده‌ی غنی حیات هنری خویش غافل بمانند. از هنرمندان معاصری که با نگاه به گذشته به خلق آثار هنری می‌پردازد، می‌توان به اردشیر مجرد تاکستانی اشاره کرد. در آثار تاکستانی، مشابهت‌های زیادی در جنبه مضمونی، ساختاری و اسلوب با آثار محمد سیاه‌قلم، هنرمند مشهور سده نهم هجری در مکتب هرات، دیده می‌شود. این پژوهش به مقایسه و تطبیق آثار نگارگری استاد اردشیر مجرد تاکستانی و محمد سیاه‌قلم از نگارگران مکتب هرات، پرداخته است.

پیشینه پژوهش:

مریم نجفی دانشجوی رشته نقاشی مقطع کارشناسی، تحقیقی با عنوان «بررسی سیر تحول طراحی درخت در نقاشی ایرانی» به راهنمایی مرتضی افشاری در دانشکده هنر شاهد (۱۳۸۸) انجام داده است. در این رساله به بررسی و توصیف عوامل و ویژگی‌های مؤثر در طراحی درختان و نیز روند تغییرات آن‌ها در دوره‌های مختلف تا دوره معاصر پرداخته شده است. همچنین سیما صفایی شوشتری دانشجوی رشته نقاشی مقطع کارشناسی دانشگاه شاهد نیز (۱۳۸۵)، تحقیقی به راهنمایی مرتضی افشاری با عنوان «سیر تحول طراحی اسب در نگارگری ایران» ارائه نموده است: این پژوهش به بررسی روند طرح و نقش اسب در نگارگری ایرانی از دوره سلجوقی تا دوره معاصر می‌پردازد؛ در این پژوهش ابتدا بررسی بر اساس ویژگی هر مکتب و سپس طراحی فرم اسب‌ها در حالات و انواع تزیینات آن‌ها و بررسی اختلافات مکاتب نسبت به هم پرداخته شده است. شادی جمالی دانشجوی رشته نقاشی مقطع کارشناسی دانشگاه شاهد (۱۳۸۶) نیز تحقیقی به راهنمایی حبیب‌الله صادقی با عنوان «سیر تحول طراحی از صفویه تا امروز» انجام داده است. همچنین مهران قلعه‌دار دانشجوی رشته نقاشی مقطع کارشناسی (۱۳۸۱) تحقیقی به راهنمایی مجید مهرگان با عنوان «طراحی بنیادی در نگارگری ایرانی اسلام» انجام داده است و فرزاد هدایت دانشجوی رشته نقاشی مقطع کارشناسی به راهنمایی حبیب‌الله صادقی (۱۳۸۶) پژوهشی با عنوان «شیوه‌های به‌کارگیری فرم و طراحی طبیعت در نقاشی ایران» انجام داده است؛ بنابراین پژوهش حاضر از جهت مقایسه و تطبیق در هنر نگارگری ایرانی حاوی نکات جدید و همراه با نوآوری است.

محمد سیاه‌قلم

جریان هنری سده نهم هجری به دوره هرات پیشین و هرات پسین تقسیم می‌شود که مکتب

بیشتری که به قیافه و حالات چهره‌ها و شیوه نگارگری به کاربرد رنگ‌ها و انتخاب موضوع و سایر نکات ابتکاری تصاویر معطوف می‌داریم، درمی‌یابیم که این نقاش نوگرا، در قدرت قلم و خلق تصورات، کم‌قرین بوده و خواسته یا ناخواسته به ارائه مکتبی نائل گشته بودند که در آن زمان‌ها جز صور عجیبه و نقوش غریبه به شمار می‌آمدند.» (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۹: ۸۳۵). همچنین یعقوب آژند در مورد آثار سیاه‌قلم در کتاب مکتب هرات چنین می‌نگارد «محمد سیاه‌قلم، فردی ایرانی و از اهالی تبریز است که در نزد استاد عبدالحی شاگردی می‌کند و بعدها که تیمور عبدالحی را از غرب به شرق ایران یعنی سمرقند می‌برد، با معرفی او به بایسنقر میرزا، وی او را از تبریز به هرات می‌برده و مأمور سفر به چین می‌کند. وی از دیده‌ها و شنیده‌های خود نقاشی‌هایی تهیه می‌کند که امروزه موجب این همه قال و مقال در بین هنرپژوهان گردیده است.» (آژند، ۱۳۸۷: ۲۷۰).

مضامین نقاشی‌های سیاه‌قلم، شامل زندگی بیابان‌نشینان و مردم سرگشته و انواع دیوها، شخصیت‌های مضحک و عجیب و غریب، خانواده‌های آواره همراه زنان و کودکان، تاجرانی با جامه‌های بلند و کلاه‌های خردار است. آثار سیاه‌قلم دارای چند ویژگی کلی است. آثار وی دارای دو مرحله کاری بوده و شیوه اجرای تصاویر مخلوطی از مکتب هراتی و چینی است. ایشان آثاری در سبک و سیاق مکتب هرات داشته است و به نظر می‌رسد در جریان سفر به چین و پس‌از آن به نوعی سبک خاص دست‌یافته است. به احتمال زیاد، تأثیرات سفر چین و مواجه شدن با فرهنگ و هنر مردم آن دوران چین و سرزمین‌های بین راه، در آثار وی تأثیر گذاشته است و محصولش آثاری بوده که با آثار قبلی وی تفاوت دارد.

اردشیر مجرد تاکستانی

اردشیر مجرد تاکستانی در سال ۱۳۲۸ ه.ش در شهر رشت متولد شد. از آثار وی می‌توان

هرات پیشین مربوط به دوره شاهرخ و بایسنقر میرزا (۸۰۷ / ۸۵۰ ه.ق) بوده و محمد سیاه‌قلم متعلق به این دوران است. آثار محمد سیاه‌قلم دارای خصلت‌ها و خواسته‌های مرحله پیشین مکتب هرات به‌ویژه نشان‌دهنده مرتبت هنر چین در این دوره است. درباره هویت نقاشی‌های سیاه‌قلم، آراء و نظریات متناقض زیادی وجود دارد. بعضی برای آن‌ها هویت چینی قائل شده‌اند و برخی آن‌ها را جلوه‌ای از زندگی ایلات و عشایر آسیای میانه و آئین‌های شمنی دانسته‌اند و بعضی نیز این تصاویر را تجسمی از پیکره‌ها و انسان‌های استپ‌های روسیه فرض کرده‌اند.

درباره هویت محمد سیاه‌قلم، محققان نظرات متفاوتی را ارائه داده‌اند. بعضی همانند کریم‌زاده تبریزی او را همان حاجی محمد هروی که در دربار سلطان حسین بایقرا و کتابخانه امیرعلیشیرنوائی کار می‌کرده است می‌دانند و برخی او را با حاجی محمد بخشی سفیر شاهرخ به دربار چین یکی دانسته‌اند. پاکباز در این خصوص در *دائرةالمعارف هنر بیان* می‌دارد: «مولانا خلیل و غیاث‌الدین نقاش از جمله نمایندگان مکتب هرات بودند و میراث ایشان از طریق هنرمندانی چون استاد منصور و روح‌الله میرک به کمال‌الدین بهزاد رسید. نگارگران مکتب هرات، در روش مرسوم فضا سازی و صحنه‌پردازی طراحی و ترکیب‌بندی پیکره‌ها و کار بست رنگ‌های پاک و درخشان و استفاده از نقش‌های تزئینی متنوع پیشرفت فراوانی کردند. از جمله نتایج کوشش آن‌ها تکمیل الگویی بود که قبلاً توسط هنرمندانی چون جنید برای بازنمایی دوبعدی محیط معماری و تفکیک اندرونی و بیرونی پیشنهاد شده بود.» (پاکباز، ۱۳۸۵: ۶۴۴). شماری هم او را همان غیاث‌الدین نقاش می‌دانند که از طرف بایسنقر میرزا فرزند شاهرخ به چین می‌رود. کریم‌زاده تبریزی در مورد محمد سیاه‌قلم در کتابش چنین آورده است: «... در هنر تصویرسازی و خطاطی و رنگ‌آمیزی و تذهیب و تشعیر و سایر فنون دیگر که به نحوی در تخیل نقاش جان می‌گرفته استاد بامهارتی بوده. با دقت و تعمق

بود که اردشیر مجرد تاکستانی را از تمامی هم نسلان خویش درزمینه‌ی هنر نگارگری جدا کرده و از او هنرمندی محقق و پژوهنده‌ی ارزنده در زمینه هنر عمیق و ریشه‌دار نگارگری و تذهیب و تشعیر ایرانی ساخته است.

گزیده‌ای از کتاب‌هایی که ایشان برای آن‌ها نگارگری کرده‌اند به شرح زیر است:

۱- مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (تصویر ۱)

۲- کتاب رباعیات حکیم عمر خیام

۳- شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی نسخه معروف به امیر بهادری

۴- غزلیات سعدی

۵- نامه‌ی لیلی و مجنون، حکیم نظامی گنجوی (تصویر ۲)

۶- مثنوی معنوی بر اساس نسخه ترجمه نیکلسون

۷- تذکره الاولیاء عطار

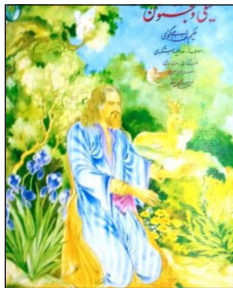
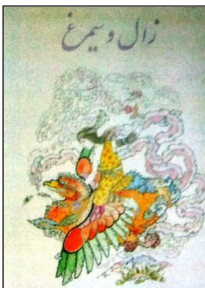

۸- زال و سیمرغ اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی. (تصویر ۳)

از ویژگی‌های خاص سبک تاکستانی، می‌توان به نوع قلم‌گیری خاص ایشان اشاره کرد. وی در فواصل قلم‌گیری‌های خود نقاطی را قرار می‌دهد، این نقاط علاوه بر اینکه باعث مکث‌هایی در خطوط می‌شود، به خطوط، بیان بافت گونه می‌دهد و باعث مجردتر شدن فضای آثار ایشان می‌شود. این امر باعث همسوتر شدن آثار ایشان با نگرش نقاشی ایران که همان به تصویر

کتاب «راهنمای نقاشی و کتاب‌آرایی در ایران» و «شیوه تذهیب» را نام برد. به گفته خود او ورود به دنیای هنر در ابتدا به علت اصرار برادر بزرگشان بوده؛ ولی رفته‌رفته ایشان شیفته هنر نگارگری و تبدیل به یکی از عجایب نگارگری معاصر شدند. «استاد اردشیر مجرد تاکستانی در سال ۱۳۴۵ به سفارش استاد فرشچیان و تأیید آقای خوش‌نویسان در هنرستان پسران و دختران و سپس در دانشگاه تهران مشغول به تدریس شدند. در سال ۱۳۶۱ از هنرستان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استعفاء داده و به‌صورت آزاد به فعالیت‌های هنری و فرهنگی پرداختند. استاد تاکستانی آثار بسیاری از هنرمندان بزرگ گذشته را مطالعه و نسخه‌برداری کرده‌اند و ایشان موفقیت خود را مدیون همین مشق از اساتید می‌دانند. برخی از آن‌ها کپی آثار استادانی هستند که در آثارشان رنگ، از محدودیت برخوردار است و زمینه طراحی آن بیشتر است. هنرمندانی چون غیاث‌الدین، رضا عباسی، معین مصور، آقا رضا. شیوه قلم‌گیری استاد غیاث‌الدین بیش از خطوط هنرمندان دیگر مورد توجه استاد تاکستانی بوده است.» (صالحیان، ۱۳۸۹، مصاحبه).

ایشان همچنین پس از فراغت از تدریس و مسائل اداری به‌صورت جدی به تحقیق در رشته‌های مینیاتور، تذهیب و تشعیر و متون جانبی این هنرها پرداختند. از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۸ ه. ش به‌عنوان سرپرست کارگاه هنری در موزه شهدا مشغول به کار شدند. حاصل همین آموختن‌ها و پرداختن‌ها

جدول ۱ - تصاویر برخی کتاب‌هایی که تاکستانی برای آن‌ها تصویرسازی انجام داده است. (مأخذ: نگارندگان)

تصویر ۱- کتاب مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی	تصویر ۲- کتاب زال و سیمرغ اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی	تصویر ۳- نامه‌ی لیلی و مجنون، حکیم نظامی گنجوی
		

در ادامه به بررسی این محورها خواهیم پرداخت:

۱- ارتباط مضمونی:

۱-۱- فضای وهمی حاکم بر آثار

بامطالعه بصری آثار محمد سیاه‌قلم، نوعی فضای وهم‌انگیز و سورئال را مشاهده خواهیم کرد که با بررسی این آثار می‌توان نتیجه گرفت عواملی که در به وجود آمدن این فضا دخیل‌اند عبارت‌اند از: استفاده از رنگ‌های تیره در اکثر نگاره‌ها، استفاده جزئی از رنگ در سطوح کوچک، خلق موجودات وهم‌انگیز و دیو مانند، جنگ و درگیری بین شخصیت‌های آثار، طراحی ابزار و ادوات جادویی و غیرمعمول (مثل طراحی گریزی از ساق پای اسب)، (تصویر ۴) توجه کم به فضای اطراف پیکره‌ها و منظره‌پردازی و اغراق در حالات و شخصیت‌ها. در تطبیق آثار استاد تاکستانی با استاد محمد سیاه‌قلم مشابهت‌ها و خصوصیات برگرفته از آثار محمد سیاه‌قلم مشهود است؛ چنانچه شاید بتوان این خصوصیات را متمایزترین و مهم‌ترین ویژگی مشترک آثار این دو نگارگر دانست. (تصویر ۵)

۱-۲- توجه به حالات روحی چهره‌ها

یکی دیگر از وجوه تأثیرپذیری آثار تاکستانی از محمد سیاه‌قلم توجه به حالات چهره‌هاست. با بررسی چهره‌ها در نگاره‌های این دو استاد متوجه دقت ایشان در نشان دادن حالات چهره‌ها می‌شویم. این نوع کیفیت چهره‌سازی از وجوه

کشیده شدن عالم مثال است، گردیده است. از دیگر ویژگی‌های آثار وی شخصیت‌پردازی ویژه در آثارشان است که این امر حتی در برخی از حیوانات نیز قابل مشاهده است. این شخصیت‌ها (که معمولاً پیرمردی با موها و ریش بلند سفید خلق می‌شود) بسته به موضوع ممکن است در یک نگاره و یا در نگاره‌های متفاوت تکرار شوند؛ طراحی شخصیت‌هایی مشابه در برخی از آثارشان گواه بر این امر است. در این راستا، در ادامه پژوهش به بررسی و مطابقت آثار نگارگر معاصر، اردشیر مجرد تاکستانی با محمد سیاه‌قلم و بررسی ویژگی‌های طراحی و ترکیب‌بندی این دو هنرمند خواهیم پرداخت.

مطالعه ویژگی‌های مشترک در آثار تاکستانی و

محمد سیاه‌قلم

به‌طور کلی تأثیرات و تشابهات آثار استاد تاکستانی و استاد محمد سیاه‌قلم را در ۳ محور کلی می‌توان بررسی کرد:

۱- ارتباط مضمونی: مشتمل بر دو قسمت:

۱-۱- فضای وهمی حاکم بر آثار. ۱-۲- توجه به حالات روحی چهره‌ها.

۲- ارتباط ساختاری: مشتمل بر سه قسمت:

۱-۲- ترکیب‌بندی. ۲-۲- طراحی ابزار و یراق و تزئینات. ۳-۲- طراحی پنجه دست‌وپاها.

۳- ارتباط تکنیک و اسلوب: مشتمل بر دو قسمت:

۱-۳- شیوه قلم‌گیری. ۲-۳- ساخت‌وسازهای مشابه.

جدول ۲ - فضای وهمی حاکم بر آثار دو هنرمند (مأخذ: نگارندگان)

مقایسه فضای وهمی حاکم بر آثار	
تصویر ۵- فضای وهم‌انگیز، دو دیو در حال نبرد، محمد سیاه‌قلم، نگارگری، هرات نخستین (۸۰۷-۸۵۰ ه.ق)	تصویر ۴- بخشی از یک نگاره، طراحی ابزار و ادوات جادویی هرات نخستین (۸۰۷-۸۵۰ ه.ق)
	

جدول ۳- توجه به حالات روحی چهره‌ها (مأخذ: نگارندگان)

توجه به حالات روحی چهره‌ها در آثار محمد سیاه‌قلم و اردشیر مجرد تاکستانی	
تصویر ۶- محمد سیاه‌قلم، نگارگری، هرات نخستین (۸۵۰-۸۰۷ م.ق)	تصویر ۷- بخشی از یک نگاره، توجه به حالات روحی چهره‌ها (اثر اردشیر مجرد تاکستانی)
	

تمایز بین آثار استاد سیاه‌قلم و استاد تاکستانی با سایر نگارگران است. (تصاویر ۶ و ۷)

۲- ارتباط ساختاری:

۱-۲- ترکیب‌بندی

از دیگر وجوه تأثیرپذیری آثار تاکستانی از سیاه‌قلم را می‌توان نحوه ترکیب‌بندی آثار ایشان دانست. ترکیب‌بندی‌های خلوت و ساده از خصوصیات بارز برخی از آثار این دو استاد است

که با نگاه به نمونه‌های بیان شده، به‌وضوح قابل‌رؤیت است (تصاویر ۸-۱۱). البته گفتنی است که در برخی از آثار استاد محمد سیاه‌قلم و استاد اردشیر مجرد تاکستانی ترکیب‌بندی سبک و سیاق نقاشی چینی قابل‌مشاهده است و این خود از دیگر وجوه تشابه بین آثار این دو هنرمند است. (تصاویر ۹ و ۱۱)؛ همان‌طور که در تصویر شماره ۸ مشاهده می‌شود ترکیب‌بندی به‌صورت پلان بندی شده و دارای عمق نمایی است. کوه‌ها

جدول ۴- مقایسه ترکیب‌بندی و نمود سبک چینی در آثار محمد سیاه‌قلم و اردشیر مجرد تاکستانی (مأخذ: نگارندگان)

تصویر ۸- نمونه ترکیب‌بندی خلوت، محمد سیاه‌قلم، نگارگری، هرات نخستین (۸۵۰-۸۰۷ م.ق)	تصویر ۹- نمونه‌ای از ترکیب‌بندی خلوت استاد تاکستانی
	
تصویر ۱۰- نمونه سبک چینی، محمد سیاه‌قلم، نگارگری، هرات نخستین (۸۵۰-۸۰۷ م.ق)	تصویر ۱۱- نمونه‌ای اثر استاد تاکستانی به سبک و سیاق چینی
	

محمد سیاه‌قلم مشاهده می‌شود. (تصاویر ۱۲ و ۱۳) و در آثار استاد تاکستانی نیز شاهد تزئینات مشابهی هستیم. در زیر، نمونه‌ای از آثار تاکستانی را که دارای تزئیناتی مشابه هست ارائه شده است. (تصاویر ۱۲-۱۵)

۲-۳- طراحی پنجه دست‌وپاها

نکته مشترک قابل‌تأمل دیگری که در آثار استاد محمد سیاه‌قلم و استاد تاکستانی وجود دارد، توجه این دو هنرمند به طراحی پنجه‌های دست و پای انسان و گاهی حیوانات است که این طراحی‌ها همیشه با اغراق‌هایی همراه بوده است. با مقایسه در آثار ایشان مشخص می‌گردد که استاد تاکستانی، غلو در طراحی خود را به‌لاغر نمایی این اجزا اختصاص داده است. (تصاویر ۱۶ و ۱۸ و ۲۰)، در صورتی که استاد سیاه‌قلم دست‌ها و پاها را به‌صورت چاق و پر طراحی می‌کرده‌اند. (تصاویر ۱۷ و ۱۹) معمولاً در آثار اساتید نگارگری کمتر توجهی به طراحی دست‌ها و مخصوصاً پاها

و درخت‌هایی که در بالای اثر وجود دارد با اینکه ارتباط مستقیمی با دیگر عناصر موجود در نگاره ندارند ولی باعث ایجاد عمق در نگاره شده‌اند. مشابه این نوع ترکیب‌بندی را در بعضی آثار تاکستانی نیز می‌توان مشاهده کرد.

۲-۲- طراحی افزار و یراق در آثار محمد سیاه‌قلم و اردشیر مجرد تاکستانی

میزان تأثیرپذیری استاد تاکستانی از استاد سیاه‌قلم را حتی در پاره‌ای از جزئیات آثار ایشان می‌توان یافت، به‌عنوان مثال در آرایه‌هایی مثل افزار و زین و یراق و تزئیناتی که مربوط به پوشش اسب‌ها و یا سایر تزئیناتی که در چادرها و خیمه‌ها به کار می‌رود؛ چنانچه دقت و توجه به شکل تزئینات و نوع آویزه‌ها، همچنین استفاده از ساختار طراحی و قالب رنگی، شباهت بی‌بدیلی بین آثار تاکستانی و محمد سیاه‌قلم به وجود آورده است. نمونه‌ای از طراحی افزار و یراق و همچنین تزئینات آویز مانند اسب در آثار استاد

جدول ۵- طراحی افزار و یراق (مأخذ: نگارندگان)

طراحی افزار و یراق و تزئینات در آثار محمد سیاه‌قلم و اردشیر مجرد تاکستانی	
تصویر ۱۲ نمونه‌ای از یراق آلات و تزئینات اسب، اردشیر مجرد تاکستانی	تصویر ۱۴ نمونه‌ای از یراق آلات و تزئینات اسب، سوارکار قوش به دست، محمد سیاه‌قلم، نگارگری، هرات نخستین (۸۰۷-۸۵۰ ه.ق)
	
تصویر ۱۳-نمونه سبک چینی، محمد سیاه‌قلم، نگارگری، هرات نخستین (۸۰۷-۸۵۰ ه.ق)	تصویر ۱۵- نمونه‌ای اثر استاد تاکستانی به سبک و سیاق چینی
	

جدول ۵ - مقایسه طراحی دست‌وپاها و پنجه در آثار محمد سیاه‌قلم و اردشیر مجرد تاکستانی (مأخذ: نگارندگان)

مقایسه طراحی دست‌وپاها و پنجه در آثار محمد سیاه‌قلم و اردشیر مجرد تاکستانی			
تصویر ۱۶- بخش‌هایی از چند نگاره، نمونه طراحی دست‌وپا اردشیر مجرد تاکستانی		تصویر ۱۷- بخش‌هایی از چند نگاره، نمونه‌ی طراحی دست‌وپا، محمد سیاه‌قلم، نگارگری، هرات نخستین (۸۰۷-۸۵۰ ه.ق)	
			
تصویر- ۱۸	تصویر- ۱۹	تصویر- ۲۰	تصویر- ۲۱
			

صورت گرفته و معمولاً پاها داخل پوشش مثل کفش قرار داده می‌شده و کلاً با جزئیات اندک تصویر می‌شده است؛ ولی در آثار این دو استاد دست‌ها و پاها با جزئیات کامل طراحی شده و معمولاً به صورت برهنه و دارای اغراق‌هایی حتی در اندازه نیز هستند.

۳- ارتباط تکنیک و اسلوب:

۳-۱- شیوه قلم‌گیری

نکته دیگری که از بررسی آثار استاد تاکستانی و استاد محمد سیاه‌قلم درک می‌شود نحوه قلم‌گیری متفاوت این دو استاد با سایر اساتید نگارگری است. در شیوه خاص قلم‌گیری محمد سیاه‌قلم و تاکستانی نیز شباهت‌هایی دیده می‌شود به‌عنوان مثال بر استفاده از حالت‌های بیانی خط که جنبه‌های احساسی در آن غلبه دارد هم در آثار تاکستانی و هم در آثار سیاه‌قلم تأکید شده است. این عمل در قلم‌گیری به‌واسطه‌ی نشست و برخاست شدید قلم ایجاد می‌شود و

سرعت حرکت قلم نیز در ایجاد این حالات تأثیر دارد. این امر خود به سیال و روان تر شدن خطوط و نیز ضخامت و نازکی خطوط در حد اغراق‌شده‌ای می‌انجامد. این عامل باعث تأکید بر طراحی در آثار می‌شود. با نگاه به (تصویر ۲۲) اثر تاکستانی (تصویر ۲۳) اثر سیاه‌قلم این نکته به‌راحتی قابل مشاهده است. نکته دیگری که در مورد این نوع قلم‌گیری قابل ملاحظه است، همان‌طور که در (تصویر ۲۲) دیده می‌شود نحوه قلم‌گیری در پنجه حیوان (سیمرغ) به‌گونه‌ای است که حس قدرت و وحشت را به‌خوبی منتقل می‌کند، به‌طوری‌که با دیدن این نوع قلم‌گیری فارغ از اینکه بدانیم این پنجه به چه حیوانی تعلق دارد این احساس به مخاطب منتقل می‌شود. نمونه‌ی مشابه این حرکت، در کار استاد محمد سیاه‌قلم نیز قابل مشاهده است، گویا دیگر قلم‌گیری در کار این دو استاد تنها جنبه تزئینی ندارد بلکه خود به‌نوعی دارای بیان حسی است. در اینجا لازم به ذکر است که جنبه‌های تزئینی

جدول ۶-مقایسه قلم‌گیری در آثار محمد سیاه‌قلم و اردشیر مجرد تاکستانی (مأخذ: نگارندگان)

<p>تصویر ۲۳ - بخش‌هایی از چند نگاره، نمونه‌ی قلم‌گیری در جهت بیان حالات، محمد سیاه‌قلم، هرات نخستین (۸۰۷-۸۵۰ ه.ق)</p>	<p>تصویر ۲۲ - بخش‌هایی از چند نگاره، استفاده از تکنیک قلم‌گیری در جهت بیان حالات، تاکستانی</p>
	
<p>تصویر ۲۵ - قلم‌گیری برای بیان حالات پرندگان و گیاهان در آثار سیاه‌قلم</p>	<p>تصویر ۲۴ - خطوط قلم‌گیری، بیان بافت‌دار و تزئینی در آثار تاکستانی</p>
	

رنگ‌های روحی برای قلم‌گیری و ساخت‌وساز روی رنگ‌های جسمی استفاده‌شده است. به نظر می‌رسد در آثار دوره دوم کاری سیاه‌قلم، اهمیت طراحی و محدودیت رنگی بارز است و توجه به حالات و سکناات اشخاص و رنگ‌پردازی تک‌فام را از نقاشی چینی به عاریت گرفته است. «رنگ‌های تصاویر سیاه‌قلم، استادی تابناک داشته و ایشان چه رنگ‌های روشن و چه رنگ‌های آمیخته را طوری بکار برده که انسان از دیدنش خسته نمی‌شود. اساس رنگ آمیزی وی از چند قسمت سیاه‌آبی و قهوه‌ای و قرمز و سیاه‌طلایی و سایر رنگ‌های مخلوط است و نمی‌شود موازنه‌ای در مصرف رنگ‌ها به دست آورد؛ ولی عمده رنگ‌های مصرف نقاش سیاه‌قرمزآبی و زرد است که در بعضی از موارد رنگ‌های آبی سیر و آبی روشن نیز به انتخاب سلیقه نقاش اضافه گشته و جلوه اثر را بیشتر نموده است. علاوه بر مصرف تک رنگ‌ها، رنگ قهوه‌ای و آجری زیاد کار کرده است و در مواردی رنگ‌ها را به هم آمیخته و زیبایی استادانه‌ای به اثر بخشیده است.» (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۹: ۸۵۹)

با مقایسه آثار بجای مانده مربوط به دوره دوم

و یا تأکیدهای بیش‌ازحد در قلم‌گیری بعضی از آثار استاد تاکستانی، جلوه‌ای شخصی‌تر به آثار ایشان بخشیده. به‌عنوان مثال نقاط تأکیدی که در بین قلم‌گیری‌ها گذاشته می‌شود ضمن اینکه مکث‌هایی ایجاد می‌کند به خطوط قلم‌گیری بیان بافت‌دار می‌دهد و همچنین فضا را تزئینی‌تر نموده که این نکته در حالات خطی باعث مجردتر شدن فضای آثار ایشان می‌شود. (تصویر ۲۴)

۳-۲- نحوه رنگ‌گذاری

در خصوص نحوه رنگ‌آمیزی آثار استاد تاکستانی و استاد محمد سیاه‌قلم باید گفت که در بیشتر آثار استاد محمد سیاه‌قلم که مربوط به دوره دوم کاری ایشان می‌شود و آثار استاد تاکستانی، شاهد استفاده از رنگ‌های جزئی و روحی هستیم. همانطور که اشاره شد در نگاره‌های دوره اول کاری سیاه‌قلم، نحوه رنگ‌گذاری در شیوه و سیاق مکتب هرات و همانند آثار معاصرانش است. رنگ‌ها شفاف و دارای تنوع هستند. در این دسته از آثار از رنگ‌های جسمی برای زیر و سطوح تخت و از

نیز اغراق در چهره‌سازی است. (تصاویر ۳۰ و ۳۱)
نتیجه:

نگارگری یک هنر اصیل ایرانی است و نگارگران چیره دست ایران با ابداع و خلق صحنه‌های زیبا، نمونه‌های شگفت‌آوری در این نقش‌آفرینی به وجود آورده‌اند. از جمله خصوصیات منحصربه‌فرد نقاشی ایران، غنای رنگ، ظرافت و موزون بودن، ترکیب‌بندی‌های زیبا، خیال‌انگیز و دیدگاه عارفانه و عاشقانه‌ی نگارگران ایرانی است. هنر نگارگری در گذر زمان و به تبع نیازهای اجتماعی و تأثیرهای فرهنگی محیط، ویژگی‌های خاصی کسب کرده است. اگرچه نگارگری معاصر به اصلتی که از آن برآمده وفادار مانده است؛ اما هنرمندان متعلق به این جریان کوشیده‌اند که کارشان را با سلیقه‌ی زمان سازگار سازند. در نتیجه، به‌مرور برخی ویژگی‌های متمایز در نگارگری جدید بروز کرده است. برخی ویژگی‌ها (به‌طور مثال صورت‌ها)، بیشتر از آثار گذشتگان خصوصیات نژاد ایرانی را بازگو می‌نماید. همچنین، در پاره‌ای از نقاشی‌های اخیر به‌کارگیری اصول کالبدشناسی در طراحی، قانون مناظر و مریبا (پرسپکتیو)، القای حجم و ایجاد سایه‌روشن (این ویژگی‌هایی است که

زندگی هنری استاد سیاه‌قلم با برخی از آثار تاکستانی وجود تشابه بین این آثار و به‌نوعی تأثیرپذیری قابل‌مشاهده است. در این آثار شاهد آن هستیم که خلق تصاویری با غلبه قلم‌گیری و رنگ به‌صورت جزئی و کاملاً روحی در آن وجود دارد. با توجه به موضوع این‌گونه آثار می‌توان این‌گونه بیان نمود که این شیوه رنگ‌گذاری در جهت کمک به انتقال موضوع اثر است. (تصاویر ۲۶ و ۲۷)

۳-۳- ساخت‌وسازهای مشابه

با نگاهی به آثار این دو استاد، شباهت‌هایی از نظر نوع ساخت‌وساز مشهود است. نوع ساخت‌وساز درختان و همچنین نوع بافت صخره‌ها در آثار ایشان شباهت بسیار زیادی به هم دارند. در نگاره رستم و شغاد (تصویر ۲۸) استاد تاکستانی، برای درختی که شغاد با تیر رستم به آن دوخته‌شده از بافتی همانند آن بافتی استفاده کرده است که محمد سیاه‌قلم در یکی از آثار خود برای بدن اسب بکار برده است. (تصویر ۲۹) از دیگر ساخت‌وسازهای مشابه بین دو هنرمند، دقت در پرداخت چهره، مو و ریش‌های صاف و بلند و

جدول ۷- مقایسه استفاده از رنگ‌های روحی در آثار محمد سیاه‌قلم و اردشیر مجرد تاکستانی (مأخذ: نگارندگان)

تصویر ۲۷- نگاره با استفاده از رنگ‌های روحی، محمد سیاه‌قلم، نگارگری، هرات نخستین (۸۰۷-۸۵۰ ه.ق)	تصویر ۲۶- نگاره با استفاده از رنگ‌های روحی، اردشیر مجرد تاکستانی
	
	

گیری می‌شویم. همچنین با بررسی آثاری که در این پژوهش صورت گرفت روشن شد که آقای تاکستانی به مطالعه آثار هنرمندان نگارگر گذشته پرداخته و از ویژگی‌های آن‌ها الهام گرفته و در نگاره‌های خویش به شیوه‌ای کاملاً شخصی از آنان بهره برده‌اند؛ به‌ویژه هنرمندانی که در آثارشان به‌کارگیری شیوه‌های خطی و طراحی‌گونه را سراغ داریم و خصوصاً استاد محمد سیاه‌قلم (غیاث‌الدین) که در شیوه کار او محدودیت رنگی و استفاده از رنگ‌های هم‌خانواده و غلبه‌ی طراحی بارز است.

همچنین با مقایسه آثار این دو هنرمند این مطلب آشکار می‌گردد که در آثار استاد تاکستانی استفاده از رنگ‌های روحی در اشکال محدود و استفاده زیاد از رنگ‌های هم‌خانواده در کنار رنگ‌های متضاد و نیز استفاده از یک فضای هارمونیک و تک رنگ در کنار عناصر رنگین و همچنین غالب بودن طراحی بر رنگ از ویژگی‌هایی بارز است که در آثار محمد سیاه‌قلم نیز این ویژگی به‌نوعی آشکار قابل ملاحظه است؛ به‌ویژه در آثاری که بر زمینه‌ی نخودی نقش گردیده‌اند و رنگ چندان نقشی را ایفا نمی‌کند، اهمیت طراحی و غلبه قلم‌گیری بر رنگ بیشتر است. در این آثار، ایشان از ویژگی‌های خط به بهترین شکل بهره برده‌اند

ریشه در هنر غرب دارد) به وجهی تازه و خاص خودنمایی می‌کند که درخور مطالعه است. در مورد این سؤال که «چه جنبه‌هایی از نگارگری استاد سیاه‌قلم به استاد تاکستانی منتقل شده است؟» باید گفت که با بررسی آثار تاکستانی به عنوان هنرمند معاصر و سیاه‌قلم به عنوان هنرمندی از اعصار گذشته به وجوه تشابه زیادی از لحاظ مضمون، ساختار و اسلوب برخورد می‌کنیم که همانطور که اشاره شد این تشابهات و تأثیرات به هفت بخش و سه محور کلی قابل تقسیم است. پس می‌توان این‌گونه ذکر نمود که این تشابهات به‌صورت اتفاقی نبوده و به‌احتمال قریب به یقین استاد تاکستانی متأثر از استاد محمد سیاه‌قلم هستند؛ اما ذکر این نکته ضروری است که این تأثیرپذیری لزوماً به‌صورت مستقیم صورت نگرفته است؛ بلکه به دلیل علاقه ایشان به محمد سیاه‌قلم و مشق زیاد از آثار ایشان تشابهات و تأثیراتی در کارهای ایشان ایجاد شده است. ایشان به دلیل علاقه زیاد به آثار استاد سیاه‌قلم تحقیقات بسیاری در خصوص زندگی و آثار او انجام داده‌اند پس اگر این‌گونه استنباط نماییم که ایشان متأثر از استاد سیاه‌قلم هستند به بیراهه نرفته‌ایم.

با نگاهی به آثار ایشان متوجه ویژگی‌های خاص طراحی‌های وی و غلبه‌ی خطوط قلم

جدول ۸- مقایسه ساخت‌وسازهای مشابه در آثار دو هنرمند (مأخذ: نگارندگان)

<p>تصویر ۳۱- نمونه‌ای از طراحی ریش و مو در آثار استاد تاکستانی</p>	<p>تصویر ۳۰- نمونه‌ای از طراحی ریش و مو در آثار استاد سیاه‌قلم</p>	<p>تصویر ۲۹- بخشی از یک نگاره، نحوه‌ی ساخت‌وساز بدن حیوان، محمد سیاه‌قلم، نگارگری، هرات نخستین (۸۰۷-۸۵۰ ه.ق)</p>	<p>تصویر ۲۸- بخشی از نگاره‌ی رستم و شعاد، نوع ساخت بافت درخت، اردشیر مجرد تاکستانی</p>
			

و با تندی و کندی خطوط به بیان خاص خود دست‌یافته‌اند. در نهایت می‌توان اذعان نمود استاد تاکستانی در ارائه آثار خویش نگاه به هنر اصیل نقاشی ایرانی داشته‌اند؛ چنانچه شاهد ویژگی‌های بی‌نظیری از نگارگری گذشته در آثار ایشان هستیم.

منابع:

- آژند، یعقوب (۱۳۸۷). *مکتب هرات*، چاپ اول، تابستان، تهران: فرهنگستان هنر.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۶). *دائرةالمعارف هنر*، چاپ ششم، تهران: فرهنگ معاصر.
- صالحیان، الهام (۱۳۸۹). «ویژگی‌های طراحی در آثار نگارگری استاد اردشیر مجرد تاکستانی»، کارشناسی ارشد نقاشی دانشگاه شاهد، استاد راهنما علی اصغر شیرازی.
- کریم زاده تبریزی، محمدعلی (۱۳۷۹). *شرح احوال و آثار نقاشان ایران*، جلد سوم، لندن.
- مجرد تاکستانی، اردشیر (۱۳۷۱). «مکتب شیراز»، فصلنامه چلیپا، شماره سوم، سال اول، صص ۱۲۸-۱۴۱.
- مجرد تاکستانی، اردشیر (۱۳۸۲). «مراد فقط خداست». فصلنامه علمی ترنج، تخصصی فرش، شماره ۲ و ۳، صص ۳۴-۹۶.